در سایه سار عترت / «خوش خلقی»

پدید آورنده : نجمه کرمانی ، صفحه 12

اشاره

تهذیب و تعالی شخصیت معنوی انسان، از والاترین و مقدس ترین اهداف پیامبران الهی و جانشینان ایشان بوده است. آنان با تحمل مشقت های بسیار در این مسیر، تمامی همّ خویش را بر آن گذاشتند تا اخلاق نیک را با شیوه های رفتاری و گفتاری خویش به آدمی بیاموزند و او را از زشتی ها به دور داشته، متوجه حقیقت والای انسانی و ارزش سترگش کنند. از این رو، کمتر گزاره دینی را می توان یافت که در متن آن، صیغه ای اخلاقی وجود نداشته باشد. در این میان، نقش برجسته اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بسیار چشم گیر جلوه می نماید. آنان به عنوان تجسمی از روح اخلاق، برترین آموزگاران نیکی و نیکو سیرتی بودند و هر لحظه از زندگانی پر برکتشان، در بردارنده عالی ترین درس های آموزنده و نکته هایی برجسته از اخلاق الهی است. از این رو، بر آن شدیم، دست مایه ای هر چند کوتاه اما گران قدر و ارجمند را ارائه نماییم، «تا که قبول افتد و چه در نظر آید».

کامل ترین پند

اخلاق نیکو و پسندیده، سیره پاکان و بندگان راستین خداست و هر که بدان دست یابد، به سرچشمه خوبی ها و نیکی ها دست یافته است. نوشته اند که روزی عربی بیابان نشین وارد مسجد شد و نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نشست و گفت: عربی بیابان نشین هستم؛ مرا پندی کامل و جامع بیاموز. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: به تو امر می کنم که اخلاق نیکو داشته باشی و غضب نورزی. مرد عرب برای بار دوم از پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله)خواست تا پندی کامل و جامع به او بیاموزد و ایشان همان پاسخ را تکرار فرمود. مرد برای سومین مرتبه تقاضای خود را عنوان کرد و پیامبر نیز برای سومین بار همان پاسخ را به او داد. مرد عرب گفت: «دیگر از شما پرسش نمی کنم؛ چرا که به من دستوری جز اخلاق نیکو و خُلق پسندیده ندادید.»1

سیره نیکان

بیشتر گناهان و سرکشی ها وقتی از انسان سر می زند که او در اثر عصبانیت و انفعال، اختیار خود را از دست می دهد، آرامش و اخلاق نیکو را کنار می گذارد و پرخاش می کند. امام صادق (علیه السلام) غلامی داشت که در خانه ایشان خدمتکاری می کرد، اما زبان عربی را خوب نمی دانست. روزی امام او را برای رساندن پیغامی نزد کسی فرستاد. غلام رفت و پس از مدتی بازگشت. امام نتیجه را از او پرسید، ولی غلام هر چه کرد، نتوانست چیزی بگوید و مدتی امام را منتظر نگهداشت. صیقل یکی از یاران امام صادق(علیه السلام) که در آن جا حضور داشت، وقتی لکنت زبان غلام و ناتوانی او را در بیان پاسخ دید، پیش خود پنداشت که حتما امام در این لحظه خشمگین شده، او را سرزنش می نماید. ولی دید امام با نهایت آرامش و خوش خلقی به غلام نگریست و فرمود:«اگر زبانت ناتوان و عاجز است، دلت توانا و گویاست و اگر زبان ناتوانی داری، دلی آکنده از ایمان، از آنِ توست.»2

گذشت؛ خاستگاه اخلاق نیکو

یکی از سرچشمه های زلال اخلاق نیکو، گذشت از اشتباه دیگران است که نماد بارزی از خوش خلقی است. امام صادق (علیه السلام) غلامی داشت که گاه از فرمان حضرت سرباز می زد. روزی امام او را برای انجام کاری بیرون فرستاد. مدتی گذشت و او بازنگشت. امام صادق (علیه السلام)، خود برای پی گیری آن کار از منزل خارج شد و او را در مسیر راه دید که در گوشه ای خوابیده است. آفتاب به شدت می تابید و هوا گرم بود. امام بدون این که او را بیدار کند، در کنارش نشست تا غلام از خواب بیدار شود. وقتی بیدار شد، با مهربانی به او فرمود: «ای غلام! به خدا حق تو نیست که هم شب را بخوابی و هم روز را؛ بلکه باید شب استراحت کنی و روزت را به انجام کارها اختصاص دهی.»3

آبی بر آتش خشم

روزی مردی عرب، خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسید و عرض کرد: ای فرستاده خدا! به من چیزی بیاموز که سبب سعادت و رستگاری من شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به او فرمود: «اخلاق نیکو داشته باش و غضب مکن». مرد خوشحال پاسخ داد: همین یک نصیحت برای من کافی است. پس بدرود گفت و از پیش پیامبر(صلی الله علیه وآله) بیرون رفت. مدتی گذشت و بین قبیله او رخدادی ناگوار پیش آمد که سبب اختلاف با قبیله ای دیگر شد و آتش جنگ در حال برافروختن بود. مرد نیز با شنیدن خبر جنگ به خشم آمد و لباس جنگ پوشید و برای جنگ با قبیله مخالف آماده شد. در این هنگام، سفارش پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله) در خاطر او زنده گردید. سریع شمشیر خود را غلاف نمود و به سوی قبیله مخالف شتافت و گفت: ای مردم! هرگونه ضرری به شما از ما رسیده که نشانه ای ندارد، من آن را می پردازم و آن ضررهایی را که نشانه دارد، از متهم آن باز پس گیرید تا دعوا فیصله یابد و اختلاف بالا نگیرد. افراد قبیله مخالف در برابر پیشنهاد عاقلانه او آرام شدند و خشمشان فروکش کرد و حتی از حق خود و ضرری که به آن ها رسیده بود نیز، گذشتند و بدین ترتیب، آتش کینه و دشمنی میان دو گروه از مسلمانان فروکش کرد.4

آرامش در سایه خوش خلقی

روزی امام صادق (علیه السلام) به فردی به نام «بحر سقّا» که از اطرافیانش بود، فرمود: «نیک خلقی، موجب آسایش است». سپس فرمود: دوست داری داستانی را که همه مردم مدینه آن را می دانند، برایت بگویم؟ بحر سقا با خوشحالی پاسخ داد: آری، مولای من. امام فرمود: روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مسجد مدینه نشسته بود و گروهی از یاران ایشان نیز گرد او حلقه زده بودند. در این هنگام، کنیزی از مسلمانان مدینه خدمت آن حضرت آمد و خم شد و بی آن که چیزی بگوید، عبای پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) را گرفت. پیامبر (صلی الله علیه وآله) به احترام آن زن از جای خود برخاست، اما کنیز چیزی نگفت. پیامبر هم سکوت فرمود. زن رفت و دوباره برگشت و سه بار این کار را تکرار کرد. بعد بار دیگر آمد و از عبای حضرت، رشته ای برگرفت و از آن جا رفت. اصحاب به کار او اعتراض کرده، علت را پرسیدند. آن زن در پاسخ گفت: اهل خانه مرا فرستادند تا رشته ای از لباس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را برای شفای بیمار به خانه ببرم؛ اما هر بار که می خواستم بدون ایجاد مزاحمت برای حضرت رشته ای از لباس ایشان برگیرم، آن حضرت از جای خود برمی خاست. من هم نمی خواستم راجع به کاری که داشتم چیزی بگویم. اما در هر حال، سرانجام موفق شدم که رشته ای از لباس ایشان را برای شفای بیمارم برگیرم.5

هدایت

تاریخ زندگانی پیشوایان معصوم ما نشان می دهد که در موارد بسیاری، خوش خلقی آنان، سبب تغییر رفتار دیگران و هدایت آن ها می شده است. نوشته اند: خانواده ای یهودی در همسایگی امام حسن مجتبی (علیه السلام) در مدینه می زیست. دیوار خانه امام که چسبیده به خانه آنان بود، شکافی برداشته و نجاست به دیوار خانه امام سرایت کرده بود. مرد یهودی نیز از این مطلب آگاهی نداشت. روزی زن او برای کاری به خانه امام آمده و شکاف دیوار و وضع بد آن را دید. او به خانه خود رفته، جریان را برای همسرش تعریف کرد. مرد یهودی از این که امام در این مورد چیزی نگفته بود، شرمنده شد و نزد آن حضرت آمد و از امام عذرخواست. امام فرمود که اشکالی ندارد و از جدش رسول خدا شنیده که باید همسایه را احترام کرد. مرد با دیدن رفتار خوش امام،دست زن و بچه خود را گرفت، نزد امام آمد و همگی مسلمان شدند.6

نیکی در برابر نیکی

ادب نیک سیرتی در این است که هر گاه کسی به انسان نیکی می کند، فرد آن را با بهترین نیکی پاسخ گوید. روزی «انس بن مالک» در خانه امام مجتبی (علیه السلام) نشسته بود و با امام گرم گفتگو بود. در میان صحبت آن ها، یکی از کنیزان امام وارد اتاق شد و شاخه گلی را که در دست داشت، به امام مجتبی (علیه السلام) تقدیم کرد. حضرت گل را گرفت و لبخندی به او زد و با مهربانی فرمود: «تو را در راه خدا آزاد کردم». انس از سخن امام تعجب کرد و پرسید: چگونه او را در مقابل شاخه گلی بی ارزش آزاد می کنید؟ امام با تبسمی برخاسته از رضایت پاسخ داد: «خداوند بزرگ این گونه بر ما پسندیده و در قرآن کریم فرموده است: هر گاه کسی به شما نیکی کرد، او را با نیکی و رفتار شایسته تری پاسخ گویید. آن کنیز می خواست با این کار خود مرا خوشحال سازد و من دیدم بهترین چیزی که می تواند او را خوشحال سازد، آزادی اوست و بنابراین او را در راه خدا آزاد نمودم».7

پیامبر مهربانی

شاید در برخی موارد کسی بتواند با تندخویی، به حق خود برسد، ولی به طور حتم، حقی بزرگ تر و بهره ای گران بهاتر را از کف می دهد؛ چرا که تندخویی، هرگز گرهی را نمی گشاید. نوشته اند: روزی عربی بادیه نشین، شنید که اموال فراوانی از صدقات و غنیمت ها نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) جمع شده است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آن را بین مسلمانان تقسیم می کند. اما او تاکنون سهمی از بیت المال دریافت نکرده بود. پس با شتاب شتر خود را رانْد و به سوی مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله) حرکت کرد. به مسجد که رسید، از شتر پیاده شد و با عجله وارد مسجد گردید. خود را به پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسانید و گریبان ایشان را گرفت و فریاد کشید: «محمد! دستور بده تا از مال خدا که در دست توست، به من هم بدهند». او چنان سخت لباس پیامبر (صلی الله علیه وآله) را کشید که ردای پیامبر(صلی الله علیه وآله) گردن ایشان را آزرد و اثر آن بر جای ماند. با این حال، پیامبر (صلی الله علیه وآله) با خوشرویی، در چهره مرد اعرابی نگریست و دستورداد تا سهم او را به وی بپردازند.8

گلبرگی از آفتاب

امام حسن مجتبی (علیه السلام): «همانا که زیباترین زیبایی، خوش خلقی است.»9

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): «نیکو سیرتی، نیمی از دین است.»10

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): «اخلاق نیکو، نیکی دنیا و آخرت را در بردارد.»11

امام علی (علیه السلام): «عنوان نامه اعمال مؤمن، خوش خلقی اوست.»12

امام علی (علیه السلام): «خوش اخلاقی، سرچشمه همه نیکی هاست.»13

امام علی (علیه السلام): «اخلاق نیکو، روزی را فراوان می کند و سبب انس گرفتن دوستان می شود.»14

امام علی (علیه السلام): «خوش خلقی، برترین هم نشین است.»15

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): «هر کس اخلاق نیکو پیشه سازد، پروردگار او را به جایگاه روزه داران نمازگزار می رساند.»16

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): «نخستین چیزی که در روز قیامت در میزان اعمال بنده قرار می گیرد، خوش اخلاقی اوست.»17

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): «به درستی که بنده با خوش سیرتی اش به درجات بزرگ بهشتی و برترین منزلگاه های آن می رسد.»18

امام علی (علیه السلام): «زندگی با خوش اخلاقی شیرین می شود.»19

امام علی (علیه السلام): «خوش خلقی، محبت به بار می آورد و [پیوند] دوستی را محکم می سازد.»20

امام علی (علیه السلام): «هر کس خوش اخلاق باشد، دوستانش زیاد شده و دل ها به او انس می گیرد.»21